

# «حزب توده»

## وانشعاب در حزب دمکرات کردستان

### ماهیت جریان های درون حزب دمکرات | کردستان ایران

واقعیت این است که "حزب دمکرات کردستان" بزرگترین و پرنفوذترین سازمان سیاسی خلق کرد و نقش آن در جنبش ملی خلق کرد نقشی تعیین کننده است. این حزب که بر بستر بیداد ستم ملی در کردستان شکل گرفته و گسترش یافته است و هدف عمده اش همانا دفاع از حقوق ملی خلق کرد و مبارزه در راه رفع ستم ملی است، زیر پرچم خود طیفی از اقلات و طبقات مختلف را گرد آورده که گرچه بطور غالب رفع ستم ملی را محور اتحاد قرار داده اند لیکن دارای منافع بس متضادی هستند. چنین بسیج ناهمگونی جبراً بازتاب خود را در حزب دمکرات به نمایش گذارده است. و این را حتی در ترکیب عناصر مشکله حزب تا سطح رهبری آن نیز به عیان می توان مشاهده کرد. بدینگونه که در میان نیروهای حزب دمکرات از دهقانان فقیر و توده های ستمدیده گرفته تا خرده بورژوازی شهری و بورژوازی نارشد یافته کرد و حتی بسیاری از زمینداران تحقق آرزوهای ملی خود را جستجو می کنند. و از همینجا پیداست که چنین حزبی نمی تواند از تضادها و کشاکش های مداوم در امان بماند و نمی تواند سیاستی را در پیش گیرد که مطلوب هم این نیروها باشد. و البته این بدان معنی نیست که سیاستها و عملکردهای چنین حزبی در آن واحد منافع یک طبقه و قشر معینی از این طیف ناهمگون را منعکس ننماید.

از دوره جدید فعالیت حزب دمکرات تاکنون دو گرایش قدرتمند را در حزب دمکرات می توان تشخیص داد.

یک گرایش بر آن است تا جنبش ملی را سمت ضد امپریالیستی دهد و از این طریق هرچه بیشتر بر منافع توده ها متکی گرداند، این جریان می گوید مبارزه خلق کرد را با جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های میهن ما در آمیزد و سمت و سوی آن را هرچه بیشتر با سمت گیری کنونی مبارزات خلق های میهنان منطبق سازد. بر همین اساس این گرایش و سیاستی که عرف آن است، بطور مشخص در مقابل ناسیونالیسم تنگ نظر قرار داشته مخالف شونیزم و مدافع برقراری صلح میان جنبش ملی خلق کرد حکومت جمهوری اسلامی و مدافع سمت گیری کنونی علیه امپریالیسم، عوامل وابسته به آن و بطور اخص ضد انقلاب در منطقه است.

گرایش دوم، گرایشی که بطور غالب بیانگر تمایلات بورژوازی رشد نیافته است، مصراحت در پی آن است که جنبش ملی خلق کرد را به سطح بکشاند و آن را در چارچوب مبارزه برای کسب حقوق ملی اسیر سازد و لاجرم جنبش ملی خلق کرد را به ویژه در شرایط خاص کنونی انقلاب ایران، از جنبش سراسری خلق های میهن ما بطور کلی جدا ساخته و بدون توجه به سمت و سوی اصلی مبارزات خلق های میهن ما آن را هرچه بیشتر به سوی ناسیونالیسم بکشاند.

گرایش فوق و سیاست معرف آن عملاً و نظراً به دامن زدن ناسیونالیسم تنگ نظرانه پرداخته و منافع خود را در ادامه جنگ با جمهوری اسلامی و شعله ور نگه داشتن آتش جنگ برادر کشی در کردستان جستجو می کند. زیرا که جنگ قوی ترین عامل تقویت گرایشات تند ناسیونالیستی است. همچنان که گرایش نخست مدافع صلح است و با برقراری صلح شکوفا می گردد، گرایش دوم مخالف صلح بوده و با پایان پذیرفتن جنگ کنونی عرصه برای رشد آن تنگتر و تنگتر می گردد.

وجود این گرایشات متضاد همچنانکه تدریجاً در سیاست های مشخصی تبلور یافته، به همینگونه سبب صف آرایی عینی (لیکن هنوز انسجام نیافته) نیروها در حزب دمکرات و شکل گیری ابتدائی جناح بندی های درون آن شده است. با این همه باید تأکید کرد که این جناح بندی ها هنوز ناپخته و انسجام نیافته است

و حزب دمکرات مرحله گذاری را طی می کند که سرنوشت آن به تسلط این یا آن سیاست بستگی دارد. علاوه بر کشاکش سی و چند ساله در یک سال و نیم اخیر هم در درون حزب دمکرات نبردی حاد و سرنوشت ساز میان ناسیونالیسم بورژوازی و دمکراتیسم خرده بورژوازی که اولی کسب خود مختاری را عمده ساخته و دیگری که نابودی سلطه امپریالیسم را مقدم می شمارد، جریان داشته است. در چنین شرایطی غلبه بلا منازع این یا آن جناح، این یا آن سیاست در حزب دمکرات بطور بلاواسطه می تواند در جنبش ملی خلق کرد، تحولی تعیین کننده پدید آورد و در جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های میهنان تأثیرات عمیقی برجای گذارد. اکنون چنانچه تمایلات ناسیونالیستی بر حزب غالب شود، آنگاه این جنبش از راستای ترقی خواهی به کجراه ناسیونالیسم بورژوازی و در این شرایط به مقابله با مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک همه خلق های میهن و نهایتاً انکاء به نیروهای وابسته و دشمنان مردم ایران کشیده خواهد شد و درست به همین علت است که شیوه برخورد با نیروهای درون حزب دمکرات از اهمیت خاصی برخوردار است.

بطور مشخص میتوان گفت چگونگی برخورد با انشعاب درون حزب دمکرات در واقع نشان دهنده چگونگی برخورد با جنبش ملی خلق کرد و معرف ماهیت و سمت و سوی سیاست این یا آن جریان در قبال جنبش ملی خلق کرد است.

اگر انشعابی بتواند موجب اصلاح سیاست حزب دمکرات، قطع جنگ و استقرار صلح بین جنبش ملی خلق کرد و جمهوری اسلامی گردد و سمت جنگ را تغییر داده، به سوی امپریالیسم و نیروهای وابسته به آن متوجه سازد، بی گمان انشعاب امری درست و اصولی است و طبیعتاً مورد حمایت قاطع و همه جانبه نیروهای انقلابی واقع خواهد شد.

لیکن اگر انشعاب نتایج عکس به بار بیاورد و نیروهای مدافع صلح و مدافع عمده ساختن وجوه ضد امپریالیستی، تمام جنبش ملی و دمکراتیک خلق کرد را تضعیف کند، انشعابی نادرست و غیر اصولی بوده و طبعاً میبایست با مخالفت نیروهای آگاه و صدیق انقلابی مواجه شود.

با بررسی نتایج انشعاب درون حزب دمکرات در سهم و نقش نوین هر یک از نیروها (بعد از انشعاب) در جنبش ملی خلق کرد می توان وجوه منفی آن را به وضوح مشاهده کرد.

نظر ما این است که غنی بلوریان و دوستان نزدیک وی که راه انشعاب را گزیدند، از جمله نیروهای سالم حزب دمکرات کردستان بوده و وجود آنها در جنبش ملی خلق کرد همواره وزنه های ترقی خواه بوده است. شخصیت مبارز و متعهد غنی بلوریان از یک سو و نفوذ وی در حزب و در میان مردم کردستان، از سوی دیگر می توانست منشاء تأثیرات مثبت و سازنده بر جنبش ملی خلق کرد باشد.

چنانچه روند فعالیت حزب دمکرات را در یک ساله اخیر از نظر بگذرانیم، درمی یابیم که هر چند غنی بلوریان و دوستان نزدیک وی هیچگاه نقش تعیین کننده را در رهبری این حزب نداشته اند، لیکن بنا بر موقعیت شان در حزب و در جنبش بنوبه خود در مهار سیاستها و نگرش های ناسیونالیستی، در جلوگیری از غلبه بلا منازع شونیزم و در مقابله با گسترش نفوذ عناصر ناسالم و فرصت طلب به درون صفوف حزب نقش مثبتی برعهده داشتند.

حضور آنها در حزب دمکرات بطور مشخصی کفه جناح ضد امپریالیست، طرفدار صلح و مخالف با ادامه جنگ کردستان را سنگین می کرد و به عکس باعث تضعیف ناسیونالیسم تنگ نظرانه و جنگ طلب می گشت. درست به همین علل انشعاب از یک سو سبب شد که نسبت به گذشته میدان برای ناسیونالیسم بازتر شود و از سوی دیگر باعث گردید که غنی بلوریان و یاران وی میدان فعالیت را از دست بدهند و عملاً نقش آنها در جنبش ملی تضعیف گردد که برخورد غیر فعال منضمین و نقش تخریبی "حزب توده" که با حضور آنان در حزب دمکرات پیشرفت سیاست خود را در

★ لنین حق داشت که می گفت نهضت ملی کشورهای مظلوم را نباید از نقطه نظر دموکراسی تشریفاتی مورد توجه قرار داد، بلکه باید از نظر نتایج واقعی آن در ترانزاه عمومی مبارزه بر ضد امپریالیسم، به آن قیمت گذاشت یعنی "نه بطور منفرد و مجزی بلکه در مقیاس جهانی".

استالیسن

راستای همسویی با نیروهای حاکم در بن بست می دید، از مهمترین علل آن بود. ما به سهم خود باید این نیروها را به حفظ سنگرهای خویش و مبارزه پیگیر در راه تصفیه صفوف حزب تشویق می کردیم.

ما فقط زمانی مجاز بودیم چنین سیاستی را ترک کنیم که در می یافتیم انشعاب بهترین و بیشترین زمینه را برای برقراری صلح در کردستان و تغییر هرچه سریعتر سمت جنگ و متوجه ساختن آن به سوی امپریالیسم و وابستگان آن فراهم می آورد.

برخورد ما با انشعاب که تأیید آن را به همراه خود داشت، با جوهر سیاست ما مقایسه فاقد مختصات سیاست اصولی سازمان دایر بر مبارزه برای برقراری فوری صلح تغییر جهت جنگ و برگرداندن آن به سوی امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن، گسترش خصومت ضد امپریالیستی جنبش ملی و تأمین حقوق ملی خلق کرد بوده است. در آن شرایط تنها و تنها مخالفت قاطع و آشکار با انشعاب می توانست روح سیاست ما را در قبال انشعاب و دمکرات و جنبش ملی خلق کرد، حفظ کند.

### انشعاب و فیات "حزب توده"

فعالیت و موضع گیری "حزب توده" در قبال انشعاب درون حزب دمکرات کردستان آشکارا مضمون سیاست اعلام شده این "حزب" مبنی بر ضرورت برقراری هرچه فوری تر صلح در کردستان در تناقض است.

حزب توده روش خود را در برابر حزب دمکرات تأثیر تغییرات سیاست و روابط حاکمیت با حزب دمکرات ساخته است. از این نظر هیچگاه نتوانسته است مستقیماً در جنبش ملی خلق کرد تأثیر مثبتی داشته باشد اکنون که ارزیابی ها چشم انداز روشنی را در جهت بهبود رابطه جناح مسلط جمهوری اسلامی با حزب دمکرات نشان نمی دهد اکنون که رابطه جمهوری اسلامی با نیروهای جنبش ملی خلق کرد روبه تیزی است و امکان بهبود این روابط ضعیف شده است حزب توده شخصاً خود را موظف می داند که برای همسویی با سیستم حاکم هرچه سریعتر بطور قطع با جنبش ملی خلق کرد تعیین تکلیف نماید. بر این اساس حزب توده تعیین تکلیف خود با جنبش ملی خلق کرد و نفی کامل آن را مهمتر از بررسی یکایک جوانب مسئله و امکان تحول تناسب نیروها در درون حزب، و تغییر آن به سود اکثریت حزب می شمارد.

حزب توده قیل از هر چیز به خروج خود از بن بست اندیشیده است. آیا نمی توان بطور قطع پیش بینی کرد که چنانچه روابط حزب حاکم با حزب دمکرات تحت تأثیر عوامل داخلی مانند پاشیزی و زمستان گذشته حسنه بود، حزب توده تمام نیروی خود را صرف تبلیغ برای بیرون کشیدن و در نتیجه منقل کردن بخشی از کادر رهبری و اعضای

بقیه از صفحه ۱

کردستان از "حزب" نمی‌نمود؟ آیا نمی‌توان تصور کرد که موضع "حزب توده" نسبت به رهبری حزب دمکرات همین نبود که اکنون هست؟ نام این شیوه برخورد را جز فرصت‌طلبی و این‌الوقتی چه چیزی می‌توان گذاشت؟ چرا همین‌که انشعاب عملی شد حزب توده آن را به دروغ گامی بزرگ و مثبت در جهت برقراری صلح و منزه ماندن "هسته سالم" حزب دمکرات اعلام نمود. حال آنکه عملاً و بنا به شواهد عینی انشعاب به تمایلات ناسیونالیستی دامن زده و امکان صلح را مشخصاً تضعیف کرده است. اما تو گوئی اینها هیچکدام مسئله "حزب توده" نبوده است. مسئله حزب توده چیز دیگری بود که این انشعاب آن را حل کرد. اکنون دیگر حزب توده فرصت یافته است اینطور تبلیغ کند که نیروی پهلپلدر جنبش ملی خلق کرد، ضدانقلاب است و باید آن را سرکوب کرد. حزب توده در شرایط نوین خود را از بن بست خارج کرده است. حزب توده اکنون قادر شده است بیشترین همسوئی را با حزب حاکم از خود نشان دهد و این برای "حزبی" مثل حزب توده کم چیزی نیست. آخر مگر نه این که تمام مطالبی که حزب توده راجع به روابط با عراق می‌گوید همه سالهاست که وجود دارد و "حزب توده" بخصوص از آن اطلاع دقیق هم داشته است! چگونه ممکن است حزب توده باور کرده باشد که با انشعاب تنی چند از کادر مرکزی حزب دمکرات که سیاستی مغایر با سیاست غالب بر حزب دمکرات داشتند، عمده نیروهای "حزب" هم در حالی که حول همان سیاست غالب بر حزب دمکرات بسیج شده و در جریان هیچ نوع تبلیغ و ترویج موثر قرار نگرفته‌اند، به یک باره سخن "پیشرو" را لبیک بگویند و به دنبال وی روان شوند؟ آیا حزب توده هم خیال کرده است با بیرون آمدن ناگهانی هفت نفر توده مردم هم ناگهان به دنبال آنان روان خواهند شد؟ آیا به راستی حزب توده فرمول "موتور کوچک، موتور بزرگ" را باور کرده است؟ پاسخ به این سئوالات هرچه باشد در هر حال یک چیز مسلم است که حزب توده خود را آماده کرده بود تا زیر فشار سنگین تبلیغات "مردم" حزب دمکرات نوین را به رسمیت بشناسد و "بقایای" حزب دمکرات اصلی را در "صف ضد انقلاب" جای دهد.

ولی حاصل کار در کردستان همانگونه که می‌شد پیش‌بینی کرد، عکس آن چیزی شد که "حزب توده" تبلیغ می‌کرد. آقای غنی پلوریان و دوستان وی نه تنها موفق نشدند حزب را تحت هدایت خویش درآورند، بلکه عملاً بسیاری از امکانات پیشین خویش را نیز از دست دادند و نقش آنان در جنبش ملی خلق کرد تضعیف گردید و از نقشی که می‌توانستند در تصفیه حزب، قطع جنگ و صلح با دولت جمهوری اسلامی و سرکوب عوامل ضدانقلاب در منطقه ایفا کنند کاسته شد. بدینگونه سیاست حزب توده در برخورد با خلق کرد با شکست آشکار روبرو شد. حال آنکه انشعاب، حزب توده را در برخورد با حاکمیت از بن بست که در آن قرار گرفته بود خارج ساخت.

پس از انشعاب حزب توده دست و پال خود را باز می‌بیند که هم اکنون حزب دمکرات را "ضد انقلاب" بنامد. اما وظیفه ماست که از هر نیروی مدافع مبارزه ضد امپریالیستی بخواهیم حقیقت را بگویند و علل اشتباهات خویش را توضیح دهد. ما نیز می‌گوشیم تا آنجا که بتوانیم در این امر مشوق وی واقع شویم. لیکن در عین حال شناخت ما پانچ از این است که از "حزب توده" با چنین نگرش و سیاستی انتظار داشته باشیم که خالصانه حقیقت را به مردم بگویند. سوابق ۴۰ ساله این "حزب" کهن سال تا امروز دلایل کافی برای نفی این برداشت به دست نمی‌دهد.

انشعاب و وظایف پیشرو

اکنون جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های میهن ما مرحله بس احساس و خطیری را طی می‌کند. در این شرایط جنبش ملی خلق کرد نیز در آستانه تحوولی اساسی قرار گرفته است. اوضاع جاری از همه نیروهای صدیق انقلابی هرچه بیشتر هوشیاری و پایداری می‌طلبد. اکنون دیگر آشکار شده است که ادامه جنگ کردستان بهترین زمینه مساعد را برای رشد ضد انقلاب فراهم می‌کند. اکنون آشکار شده است که پایان دادن هرچه سریعتر به جنگ کردستان و تغییر

جدیدی را به رسمیت بشناسد و شاهد وحدت "بقایای" حزب دمکرات با امپریالیسم و ضد انقلاب گردد. لذا همچنانکه به ستایش و بزرگ‌نمایی جریان انشعابی پرداخت، کوشید تا از سوی دیگر حزب دمکرات را هرچه بیشتر در محاصره تبلیغاتی قرار داده و به هر طریق وانمود نماید که این حزب همان ارتجاع و ضد انقلاب و وابسته به امپریالیسم است. طبعاً سیاستی که بدینگونه پی‌ریزی شده، نه آماده رویاری شدن با ضعف جریان انشعابی بود و نه مهمتر از آن تحمل روبرو شدن با موضعگیری‌ها و گرایش‌های مثبت حزب دمکرات را داشت.

پیروزی چنین سیاستی بستگی به این داشت که اولاً عمده نیروی حزب دمکرات جذب بخش انشعابی شود، ثانیاً بقیه آنچه که از حزب برجای می‌ماند به امپریالیسم و ضد انقلاب بپیوندد. اما هنگامی که غنی پلوریان و دوستان وی نتوانستند حمایت عمده نیروهای حزب دمکرات را جلب و هدایت این حزب را به دست گیرند و حتی تا حد زیادی نفوذ پیشین خود را در جنبش ملی از دست دادند، سیاست حزب توده آشکارا و به‌گونه‌ای انکارناپذیر با شکست روبرو شد. لیکن همچنانکه گفتیم "حزب توده" نه تنها به شکست خویش اعتراف نکرد، بلکه کوشید وانمود کند که حزب دمکرات هم اکنون وابسته به امپریالیسم است و از این طریق سیاست خویش را توجیه کند.

این امر برای نجات سیاست شکست خورده حزب توده آنقدر اهمیت داشت که وی را برانگیخت دست به تبلیغات عوام‌فریبانه و مخرب بزند. حزب توده ماه‌ها می‌گفت حزب دمکرات باید علیه امپریالیسم و ضدانقلاب موضعگیری کند لیکن در ماه‌های اخیر چنین وانمود می‌کرد که حزب دمکرات علیه امپریالیسم و ضد انقلاب موضعگیری نخواهد کرد. به همین علت هنگامی که تبلیغات آنها نادرست از آب درآمد و واقعیات خلاف آن را نشان داد، کودگانه عصبانی شدند و "مراتب ناخرسندی" خویش را ابراز داشتند و فرصت‌طلبانه سازمان ما را از این بات که "گذشته‌های" حزب دمکرات را فراموش کرده و با آن اعلامیه مشترک داده و بدین طریق وی را ضد امپریالیست وانمود کرده است مورد حملات مشهور خویش قرار دادند.

پس از صدور بیانیه مشترک سازمان و حزب دمکرات (۱۷ مرداد ۵۹) حدود ۲ هفته پس از آن "نامه مردم" ارگان مرکزی "حزب توده" مقاله‌ای مفصل همراه با "سند و مدرک" انتشار داد و طی آن تاسف، ناراحتی، نگرانی و در واقع عصبیت خود را از "ارتکاب" این "اشتباه بزرگ" و "به شدت نادرست" ابراز داشت و آن را حتی در عنوان مقاله نیز به نمایش گذاشت. آنها فدائیان را متهم کردند که:

"حاضرند تنها در قبال مشتکی کلمات آتشین علیه بعث عراق و امپریالیسم آمریکا "گذشته‌ها" را فراموش کنند و آنها را (حزب دموکرات را) خصم امپریالیسم آمریکا و بعث عراق وانمود سازند" (نامه مردم ۲ شهریور - تأکید از ماست)

در اینجا ظاهراً حزب توده ما را به خاطر فراموش کردن "گذشته‌های" حزب دمکرات مورد حمله قرار داده است، لیکن اگر نظر حزب توده را در مورد گذشته حزب دموکرات بررسی کنیم درخواهیم یافت که انگیزه حزب توده از طرح این مسائل چیز دیگری است.

حزب توده در "گذشته" (۲۲ دیماه ۵۸) در نامه‌ای با امضاء نورالدین کیانوری خطاب به عبدالرحمن فاسلو دبیرکل کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان چنین می‌گوید:

شما خوب می‌دانید که دولت بعث عراق، با ارسال اسلحه و پول و مهمات و آذوقه از گروه‌های وابسته به خود و دیگر گروه‌های ضدانقلابی، از دارودسته شیخ‌عثمان و شیخ‌جلال و زرگاری گرفته تا کومهله و دارودسته سرهنگ علیار با تمام قوا پشتیبانی می‌کند - شما خوب می‌دانید که دولت بعث عراق به نمایندگی جبهه مشترک دشمنان انقلاب ایران، یعنی آمریکا، اسرائیل، رژیم سادات و عربستان سعودی نه تنها در کردستان بلکه در خوزستان و بلوچستان در پخش اسلحه و پول برای تجهیز نیروهای ضدانقلاب فعالانه دست به کار است. شما خوب می‌دانید گروه‌هایی از ارتشیان ضد

دادن سمت، "اعمال قهر" به سوی امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن که هیچکدام نمی‌توانند جدا از تأمین حقوق ملی خلق کرد در چارچوب جمهوری اسلامی ایران تحقق یابند، باید هرچه زودتر دستور کار تمام نیروهای ملی، دمکرات و انقلابی قرار گیرد. هم از این روست که در راه تأمین حقوق ملی خلق کرد سازمان ما پیگیرانه می‌کوشد تا همه توان و اعتبار خویش را به کار بندد تا هرچه سریعتر به تقابل قهرآمیز جنبش ملی خلق کرد با جمهوری اسلامی بشود. و جنبش ملی خلق کرد بر بستر ضروری آن که همانا همسوئی و هم‌پیوندی با جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک همه خلق‌های میهن است قرار گیرد سازمان ما بر آن است که قدرت دشمن شکن خلق کرد باید هرچه سریعتر متوجه ضد انقلابیونی شود که به خیال خویش در کردستان سرافراز ما، کتابسی یافته‌اند و در اندیشه تجزیه بخشی از میهن و بر باد دادن دستاوردهای قیام خونین خلق‌های ما به سر می‌برند.

اکنون در حزب دمکرات انشعاب شده است. بخشی از رهبری از بنده جدا شده است. چنین رویدادی از هر زاویه که بنگریم به سود جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های میهنان نبوده است. ارزیابی عینی تعادل جدید و موقعیت هر یک از نیروها در جنبش ملی خلق کرد پس از انشعاب نشان می‌دهد که این انشعاب به زیان مصالح این جنبش عمل کرده است. این انشعاب به سود عوامل ناسالم و دست راستی در حزب تمام شده است. انشعاب امکان صلح را تضعیف کرده است اینها همه واقعیت‌های آشکاری است.

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران (اکثریت) اکنون از هیچ کوششی در جهت نزدیک کردن هماهنگ کردن فعالیت آن دسته از نیروهای حزب دمکرات کردستان ایران که از قطع درگیری‌های مسلحانه با جمهوری اسلامی، استقرار صلح بین جنبش ملی خلق کرد و جمهوری اسلامی، منفرد کردن و سرکوب ضداتحادی ضدانقلابی حمایت می‌کنند، فروگذار نخواهد کرد. در این رابطه ما دستگیری و بازداشت فرصت‌طلبانه و غیر دمکراتیک یاران آقای پلوریان توسط نیروهای وابسته به حزب دمکرات را به شدت محکوم می‌کنیم و آن را حاصل سیاست نیروهای دست‌راستی و شوییست در حزب دمکرات می‌دانیم. آزادی فوری آنها قطعاً به سود مصالح جنبش ملی خلق کرد و در خدمت انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک میهنان خواهد بود.

اکنون وظیفه همه نیروهای مبارز و صدیق خلق کرد است که با شور و توانی بیش از همیشه صفوف نیروهای ضد امپریالیست را هرچه بیشتر تحکیم بخشیده و هرچه مصمم تر برای ترک مخاصمات بین جنبش ملی خلق کرد با جمهوری اسلامی، تغییر مسأله اصلی مبارزه و باز گرداندن آن به سوی ارتجاع وابسته به امپریالیسم و بعث عراق و تأمین حقیقی حقوق ملی خلق کرد که حاصل آنهاست، تلاش ورزند. تنها در چنین صورتی است که زمینه تحقق اهداف جنبش ملی و دمکراتیک خلق کرد فراهم خواهد شد. تنها در چنین صورتی است که امکان واقعی تأمین حقوق ملی خلق کرد در چارچوب جمهوری اسلامی ایران فراهم خواهد شد و در یک کلام تنها در چنین صورتی است که می‌توان جنبش ملی خلق کرد را به مثابه یک جنبش مترقی واقعا ترقیخواه، ضد امپریالیست و انقلابی ستایش کرد. اکنون باید همه توان و اعتبار سازمان‌های سیاسی و شخصیت‌های ملی، مبارز و انقلابی نیز وثیقه تحقق چنین اهدافی قرار گیرد.

به سوی اتحاد هرچه مستحکم‌تر نیروهای ضد امپریالیست. به سوی مبارزه هرچه قاطع‌تر با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و ارتجاع وابسته به آن. چنین است سمت و سوی ضروری سیاست ما و چنین است شعار ما، راه ما، راه همه خلق‌های ایران در راستای محو ستم ملی و تأمین کامل حق تعیین سرنوشت خویش.

چرا "حزب توده" از انتشار بیانیه مشترک عصبانیست !!

"حزب توده" شوق زده و شتاب‌آلود از انشعاب حمایت کرد و آماده شد تا حزب دمکرات

### "حزب توده" و انتساب در حزب دمکرات کردستان

بقیه از صفحه ۲

انقلابی در تهران و در واحدهای دیگر ارتش با نیروهای وابسته به ضد انقلاب در کردستان رابطه برقرار کرده و اقدامات آشوب طلبانه‌ای را ترتیب می‌دهند...

پس از برآمدن این هشدارها ، کمیته مرکزی حزب توده در ادامه نامه خود خطاب به کمیته مرکزی حزب دمکرات چنین می‌گوید :

" انقلاب ایران از رهبری حزب دمکرات کردستان ایران ، حزبی که بدون شک بخش چشمگیری از بهترین فرزندان انقلاب می‌مهند دوست خلق کرد در صفوفش گرد آمده‌اند ، می‌طلبد که بی‌درنگ در کشیدن خط مشخص و بدون ابهام جدائی میان نیروهای میهن‌دوست و ترقیخواه کرد و گروه‌های ضدانقلابی و خیانت‌پیشه وابسته به دشمنان انقلاب به اقدام همه‌جانبه دست زند و از این راه کمک موثری به تثبیت و تحکیم گسترش انقلاب برساند . دوستان خلق کرد و انقلاب ایران از رهبری حزب دمکرات کردستان انتظار دارند که هرچه سریعتر خود را از جبهه همکاری با کومله و شخصیت‌ها و گروه‌های دیگر وابسته به آن و همچنین گروه‌های حادثه‌جو و آنارشیزست که با جنگ و آشوب بازی می‌کنند ، جدا کند و توطئه‌های ضد ملی و ضد انقلابی آنها را افشاء نماید ."

(نامه مردم ۵ تیرماه ۵۹ - تاکید از ماست)  
در این نامه کمیته مرکزی حزب توده به صراحت از رهبری حزب دمکرات کردستان (قاسلمو) انتظار دارد بی‌درنگ در کشیدن خط مشخص و بدون ابهام ، جدائی میان نیروهای میهن‌دوست و ترقیخواه کرد و گروه‌های ضدانقلابی و خیانت‌پیشه وابسته به دشمنان انقلاب به اقدام همه‌جانبه دست بندد "حزب دمکرات کردستان در بیانیه مشترک با سازمان ما در تاریخ ۱۲ مرداد ماه چنین می‌گوید :

" اکنون رژیم جنایتکار و ضد خلقی بعث عراق به پایگاه‌هایی برای همه دشمنان ایران تبدیل شده است . رژیم فاشیستی بعث که در داخل کشور خود خلق‌های عرب و کرد را از کتبه آزادی‌های اجتماعی محروم ساخته و سیاست سرکوب فاشیستی نیروهای مترقی در داخل عراق را دنبال می‌کند اکنون که انقلاب ایران را خطری برای سلطه جنایتکارانه خود می‌داند در صدد توطئه برآمده با سوء استفاده از احساسات پاک مردم کردستان و خوزستان درصدد است که به انقلاب ایران ضربه وارد آورد . حضور مداوم جنایتکارانی چون شاپور بختیار ، اویسی ، پالیزیان ، سردار جاف ، زند و خسروپناه و تعداد زیادی از مزدوران فراری رژیم شاه در عراق نیت واقعی آنها را به خوبی نشان می‌دهد . این مزدوران اکنون با شبکه ایادی امپریالیسم آمریکا در داخل ایران روابط گسترده‌ای ایجاد کرده‌اند . وجود دستجات ضد انقلابی و مزدوری نظیر سپاه زرگاری مزدوران وابسته به بختیار ، اویسی ، پالیزیان و سردار جاف و حامد بیگ و شیخ حسن کریمخان ، علی قاضی (کوری ره ش ) و شبکه افسران سلطنت طلب فراری تحت عناوین ارتش رهایی بخش ایران و سازمان قیام ملی همه حکایت از توطئه‌های رژیم بعث و امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران و جنبش حق طلبانه خلق کرد دارد ."

"حزب توده" که در ۵ تیرماه امسال انپتور تبلیغ می‌کند که رهبران حزب دمکرات "کشیدن خط جدائی میان خود و این نیروها ( ضد انقلاب ) را نیز به نفع خواست‌های مشروع خلق کرد نمی‌دانند" ( مردم ۵ تیرماه ) چگونه می‌تواند از موضعگیری اخیر حزب دمکرات بفراروخته نشود؟ باید پرسید چه عاملی جز فرصت‌طلبی می‌تواند انگیزه این بفراروختنگی و عصبیت حزب توده شده باشد؟ حزب توده اکنون معتقد است که رهبران حزب دمکرات " ۱۸ ماه است زیر لوی دفاع از حقوق خلق کرد ... در پیشبرد توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و بعث عراق از هیچ‌گونه همدلی و همراهی فروگذار نکرده‌اند ... و سرسپردگی بی‌چون و چرای خود را به بعث عراق و امپریالیسم آمریکا به اثبات رسانیده‌اند ."

( مردم ۲ شهریور ۵۹ )  
اگر رهبری حزب دمکرات " ۱۸ ماه است واقعا

"سرپرده امپریالیسم آمریکا است" پس چرا "حزب توده" ۹ ماه پیش ( ۲۲ دی ماه ) از این "سرپرده بی‌چون و چرای امپریالیسم آمریکا" می‌خواهد که سرسپردگان و وابستگان به امپریالیسم آمریکا را افشا کند؟ و "در کشیدن خط جدائی میان خود و این نیروها" درنگ نکند؟

ایا نمی‌توان از این تناقضات نتیجه گرفت که دغدغه حزب توده نه از اصلاح‌ناپذیری حزب دمکرات بلکه از جاهای دیگری آب می‌خورد؟  
آیا نه این است که اگر حزب دمکرات به نفع شیخ عثمان و شیخ جلال و امثالهم موضع گیری می‌نمود از به دست آوردن یک مایه شیرین تبلیغاتی بی‌نهایت خرسند می‌شد؟

"حزب توده" با صد سلام در بی یک علیک حزب جمهوری اسلامی به هر دری سر می‌زند . حزب توده همیشه و در همه جا آماده است که گرایش "مبتنی" را هر چند کوچک و پنهان و ضعیف چنانچه از جانب حکومت باشد ، پیشواز کند و به آن امیدها ببندد و تا می‌تواند روی آن تبلیغ کند . تاکنون اثبات شده است که حزب توده این سیاست را تنها در مورد نیروهای درون حکومت با قاطعیت پیش برده است و برخورد وی با دیگر نیروها مشخصا تابع برخورد حکومت با آنها و بالعکس بوده است .

"مردم" در ۲ شهریور مدعی شده است ما درست در زمانی با حزب دمکرات بیانیه مشترک امضاء کرده‌ایم که رهبران حزب دمکرات که " به برکت افشارگری‌های نیروهای مترقی و انقلابی ، زیر ضربه شدید افکار عمومی و نیروهای آگاه خلق و دیگر نیروهای صدیق انقلابی قرار گرفته بودند" اما به اعتقاد ما به شهادت برخورد‌های ۱۸ ماهه حزب توده ، رکن عمده این "افکار عمومی" مورد نظر آنان چگونگی روابط حزب جمهوری اسلامی با حزب دمکرات کردستان در مراحل مختلف بوده است .

حقیقتی که در ۱۸ ماه گذشته مدام شاهد آن بوده‌ایم آن است که روابط حزب توده با حزب دمکرات همواره تابع نوسانات مناسبات جمهوری اسلامی با حزب دموکرات بوده است .

جمهوری اسلامی با حزب دمکرات "حسته" بود رهبری حزب دمکرات از سوی رهبران "حزب توده" وارث به حق مبارزات رهایی بخش ضد امپریالیستی خلق کرد ( مردم ۸ دی ماه - زمانی که روابط جمهوری اسلامی با حزب دمکرات حسنه است ) قلمداد می‌شود . به همین دلیل امروز حزب توده می‌گوید چرا درست در زمانی که روابط جمهوری اسلامی با حزب دمکرات ( و به تبع آن روابط حزب توده با حزب دمکرات ) در اوج تیرگی است این "بی‌مبالائی"ها را به خرج داده‌ایم ؟ کافر همه را به کیش خود پندارد !

بحث بر سر این نیست که جنبش ملیت‌های تحت ستم و جریان‌های سیاسی مربوط به آن ممکن نیست که به انحراف کشیده شده و در خدمت امپریالیسم و نیروهای وابسته به آن درآیند . سرنوشت فاجعه‌آمیز ملامطی خود گواه این امر است . بحث بر سر این است که با کدام انگیزه‌ها و از کدام زوایا در برخورد با مسئله ملی موضعگیری می‌شود؟ بحث بر سر این است که آیا باید روابط حکومت‌های ملی با جنبش‌های ملی در این یا آن لحظه منبای قضاوت ما پیرامون ماهیت جنبش ملی قرارگیرد یا روش برخورد اصولی با مسئله ملی پایه دیگری دارد ؟

مسلم است که چنانچه مبارزات ملیت‌ها در راه تساوی حقوق ملی تحت الشعاع مبارزه آنها علیه امپریالیسم قرار نگیرد زمینه بهره‌گیری امپریالیست‌ها از مبارزه ملیت‌های تحت ستم فراهم خواهد شد . همانطور که در حکومت‌های ملی نیز همواره زمینه غلبه نیروهای راست و بازگشت نیروهای وابسته به امپریالیسم به قدرت مشخصا فراهم است ، در جنبش‌های ملی هم زمینه نوسان از آن‌هم فجیع‌تر آشکارا وجود دارد . حزب توده در این میان اساس کارهای خود را بر این قرار داده است که مانع از رشد گرایش‌های انحرافی در حکومت‌هاست و در این راه حتی حاضر است تمام حیثیت و اعتبار ناموجود خویش را هم به گرو بگذارد . مدام در انجام این امر در ظرفیت تحول مثبت حکومت اغراق می‌کند و حتی آماده است از این هم بیشتر اغراق کند . چگونه زمانی که نوبت به جریان‌هایی می‌رسد که حاکم نیستند این وسواس نهنتنها رنگ می‌بازد و حتی به ضد خود نیز بدل می‌شود و ظرفیت‌های مترقی نیروها بر منبای تیرگی روابط حکومت با آنها کم می‌شود و نهنتنها کم می‌شود بلکه منتهم به

داشتن خصلت‌هایی منفی می‌شوند که یا هنوز در آن‌ها شکل نگرفته است و یا اساسا احتمال آن بی به و اثبات نشده است . حزب توده در جستجوی تاسیس نام نیک خویش در دستگاه حکومت در میان نیروهای دمکرات ملی و حتی انقلابی در بی اثبات ننگی است که خود می‌داند حقیقت ندارد .

جریان‌های خط ۳ و همفکران آنها حکومت را ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم معرفی می‌کنند . آنها قبول نمی‌کنند که آنچه در آینده ممکن است رخ دهد نباید از هم اکنون به وجود آن معتقد بود . آنها بر اساس این برخورد آنارشیزستی تمام گرایش‌های ضد امپریالیستی و مثبت حکومت را آشکارا نفی می‌کنند یا از آن تعابیر نادرست ارائه می‌دهند . آنها حکومت را به داشتن خصلت‌هایی منتهم می‌کنند که در حکومت نهنتنها تکوین نیافته است بلکه مشخصا عکس آن نیز عمده است .

"حزب توده" نیز در مورد بسیاری از جریان‌های سیاسی غیر حاکم چنین قضاوتی دارد . حزب توده همان شیوه اپورتونیستی برخورد جریان‌های خط ۳ را پیرامون حاکمیت در مورد دیگران به کار می‌بندد .

### مروری بر چرخش‌های حزب توده از قیام تا امروز

تعبیر سیاست "حزب توده" در یک سال و نیم گذشته و بررسی مواضع آن در برابر نیروهای جنبش ملی کردستان در شناخت انگیزه این جریان در اتخاذ این یا آن موضع سیاسی و تشخیص دیدگاه‌های آن در مبارزه طبقاتی جاری سهم شایان توجهی ایفا می‌کند .

بررسی‌های ما پیرامون شیوه برخورد "حزب توده" با نیروهای سیاسی در کردستان اثبات می‌کند که برخورد‌های این حزب تابع نگرش و رابطه جمهوری اسلامی ایران با این نیروها بوده است . و فراز و فرود این رابطه تبدیل روابط حسنه به روابط تیره و بالفکس عامل بس مهمی در سمت دادن مواضع حزب توده نسبت به نیروهای سیاسی کردستان بوده است .

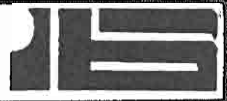
"مردم" در اولین شماره خود ، زیر عنوان درشت بالای صفحه اول "خلق کرد سرنوشت خویش را به دست می‌گیرد" می‌نویسد :

"جنبش انقلابی خلق کرد به پیروزی نزدیک شده و خودمختاری کردستان ایران را در چارچوب تمامیت ارضی ایران در دستور روز قرار داده است . پیروزی خلق کرد باید در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تسجیل شود ... دولت موقت انقلابی تاکنون تماس‌هایی با رهبران کرد گرفته و مسایل منطقه را مورد بررسی قرار داده است . امیدواریم این بررسی‌ها از موضع سالم و دمکراتیک انجام گیرد و به نتایج درستی برسد ."

"حزب توده" در این زمان از خودمختاری کردستان به صورت امری در حد تعیین سرنوشت یاد می‌کند . ثانیاً آن را در دستور روز می‌بیند . ثالثاً اظهار امیدواری می‌کند که دولت در "تماس‌هایی که با رهبران کرد گرفته" ، از موضع سالم و دمکراتیک برخورد کند . همه می‌دانیم که این "رهبران کرد" به تصدیق روزنامه‌های آن‌زمان هم همین رهبران فعلی آن حزب بوده‌اند که به‌دینار بازرگان و امام رفته بودند . دو هفته بعد ( مردم شماره ۲ هشتم فروردین ) به‌دنبال مسافرت آقایان طالقانی ، رفسنجانی و بنی صدر به سنجند و پایان گرفتن درگیری‌های سنجند می‌نویسد :

"ما به همه مبارزین انقلابی و به ویژه آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله عزالدین حسینی که توانسته‌اند برسر این مسایل به توافق برسند ، تبریک می‌گوییم" از فاصله فروردین تا مرداد ماه حزب توده تقریبا نسبت به مسایل کردستان سکوت می‌کند . طی این مدت جز یک دو هشدار در مورد فعالیت پالیزیان و فئودال‌های کردستان و یک دو نیش به "ماثرشیت‌ها" حرکت دیگری از حزب توده به چشم نمی‌خورد .

تنها در ۲۲ مرداد یعنی حدود یک ماه بعد از حوادث میروان و چند ماه بعد از جنگ ننده و ۴ روز قبل از حوادث پایه وقتی مسلم می‌شود که بین حزب دمکرات و دولت درگیری مسلحانه رخ خواهد داد ،



بقیه از صفحه ۳

”مردم“ مقاله‌ای تحت عنوان ” حزب توده ایران“ فعالیت سازمانی خود را در کردستان آغاز می‌کند... برای نخستین بار برای از سرگردانیدن وضعیت بحرانی که پیش آمده است و کنار کشیدن پای خود از مسئله ملی شتابزده می‌کوشد نشان دهد که حزب دمکرات از حزب توده جداست و ”پیوندها مربوط به گذشته“ بوده است... در این مقاله حزب توده از رهبری حزب دمکرات انتقاد می‌کند و ”حزب دمکرات کردستان“ را متهم می‌کند که به موافقت (قبلی خود) در جهت تشکیل حزب واحد سراسری طبقه کارگر ” پشت پا زده است... اما در عین حال در همین مقاله که قبل از تکفیر حزب دمکرات نوشته شده گرچه از رهبری آن به عنوان ” دوستان حزب“ یاد می‌کند ، با این همه تاکید می‌کند که رهبران حزب دمکرات راهی را برگزیده‌اند که با سمت‌گیری‌های عمده ، باراهی که ”حزب توده ایران“ در آن دوره و در لحظه کنونی درست می‌دانسته و می‌داند اختلافات جدی داشته و دارد“ پس از یک ماه و نیم وقفه در کار علنی به حزب توده اختصاصا اجازه فعالیت داده می‌شود و حزب توده هم در اولین حرکت علنی خود ، مصاحبه مطبوعاتی که در روزنامه‌ها منتشر شد ، پیرامون جنگ برادرکنشی جنبش ملی و جمهوری اسلامی چنین اظهار نظر می‌کند :

” معلوم نیست این پاسداری که شب کشته می‌شود ، به‌دست کی کشته می‌شود؟ ساواکی است که او را می‌کشد ، یا کرد واقعی متعصبی است ، یا نماینده پالیزبان و یا اصلا عامل خارجی است؟“

(مردم ۱۸ مهرماه ۵۸) این مودبانه‌ترین قضاوت برای منحرف کردن و بدبین کردن افکار عمومی نسبت به ماهیت نیروهای است که در کردستان بر اثر عملکرد و تصادم‌گرایشی‌های انحصارگرانه قشری با ناسیونالیسم به قهر کشیده شده است. اما حزب توده مفرضانه با این کلمات ذهنیتی را به میان مردم می‌برد که گویا جنگ کردستان ، جنگ پاسداران با ساواکی‌ها و پالیزبان‌ها و ” یا اصلا عامل خارجی است؟!“ پرسیدنی است واقعا کدام یک برای حزب توده دارای اهمیت بیشتر بوده است :

همسویی با تبلیغات جمهوری اسلامی درباره مسئله ملی در کردستان و به خورد مردم می‌دهد یا جستجوی واقعی راه حل سیاسی (مسالمت‌آمیز)؟ این گفتار نشان می‌دهد که حزب توده که مودبانه طرف جنگ با جمهوری اسلامی را بطور غالب ساواکی و پالیزبان و عامل خارجی هزفی می‌کند ، دیگر حق ندارد آن را جنگ برادرکنشی بنامد و از راه حل مسالمت‌آمیز دفاع کند. آیا حزب توده معتقد است با ضد انقلاب هم باید دستیابی به راه حل مسالمت‌آمیز وارد مذاکره شد؟ این درست همان تناقضی است که هم اکنون نیز با شعله‌ور شدن آتش جنگ در کردستان سیاست حزب توده بداند دچار شده است. حزب توده در گفتار از راه حل سیاسی و مذاکره و طرح ۶ ماده‌ای صحبت می‌کند اما در عمل اینطور تبلیغ می‌کند که گویا عمده‌نیروی مبارز در کردستان هم‌اکنون به ضد انقلاب پیوسته و با آن یکی شده است.

”حزب توده“ فرصت‌طلبانه هرگاه فشار دستگاه روی خلق کرد و حزب دمکرات به‌عنوان بزرگترین سازمان سیاسی ملی کردستان بر اثر تشدید خصومت ملی افزایش یافته است ، خود را از حزب دمکرات جدا کرده و اعلام کرده است که ”حزب دمکرات کردستان جداسات از حزب ما و هیچگونه رابطه سازمانی بین حزب و حزب دمکرات وجود ندارد... قاسملو یک زمانی عضو حزب توده ایران بود ، بعد اخراج شد ، به علت همان روش‌های نادرستی که داشت و این اخراج اعلام شد.“ ( ”مردم“ چهارشنبه ۱۸ مهرماه ۱۳۵۸ )

توجه کنید! ”مردم“ این حرف‌ها را در روز ۱۸ مهر ۵۸ زمانی که جنگ کردستان در اوج آن است اعلام می‌کند . حزب توده خود را بالکل کنار می‌کشد و می‌کوشد حزب دمکرات کردستان را از ”حزب توده ایران“ هرچه می‌تواند دورتر جلوه دهد .

لیکن ۲۴ روز بعد یعنی روز ۱۲ آبان یعنی زمانی که جنگ فروکش کرده ، آتش بس اعلام شده و هیئت حسن نیت دولت راهی کردستان است ، همین روزنامه مردم می‌نویسد :

”حزب توده ایران و حزب دمکرات کردستان هوادار حل سیاسی مسئله کردستانند.“ و با این برخورد با عجله تلاش می‌کند تا حزب توده و حزب دمکرات را هر چه می‌تواند به یکدیگر نزدیکتر جلوه دهد . البته زرنگی‌های سیاسی برای توجیه مطلب

هم در اینجا فراموش نشده است . ”مردم“ این حرف خود را از زبان روزنامه انقلاب اسلامی نقل می‌کند . ( توجه داشته باشیم که رهبر حزب دمکرات همان آقای قاسملو است ) . در اینجا می‌بینیم که حزب توده نشان می‌دهد که راه حزب توده در سمت‌گیری‌های عمده ” در آن ”لحظه کنونی“ با راهی که ”حزب دمکرات پیشنهاد می‌کند“ شابهت‌های جدی داشته است . در این ”لحظه کنونی“ جنگ تمام شده است و روابط حکومت با نیروهای سیاسی کردستان رو به بهبود است . ۱۰ روز بعد در ۲۱ آبان ۵۸ از نو مردم می‌نویسد :

” خلق کرد و حزب دمکرات کردستان ایران مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم را در صدر برنامه مبارزات خود قرار داده و در این مسیر قاطعانه مبارزه می‌کند.“

بازهم حزب توده زرنگی را از یاد نبرده است . ”مردم“ این مطلب را از قول قطعنامه راهپیمایان بانه نقل می‌کند . متن نوشته روزنامه مردم دقیقا می‌خواهد این برداشت را القاء کند که حزب توده کاملا پدیرفته است که ”حزب دمکرات کردستان ایران مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم را در صدر برنامه مبارزات خود قرار داده“ و اساسا نقل این مطلب هم دقیقا به همین علت بوده است .

روز شنبه ۸ دی‌ماه ۵۸ حزب توده از این هم صریح‌تر حرف می‌زند :

”مردم“ می‌نویسد :

” صف انقلاب و ضد انقلاب در کردستان باید روشن شود“ در تقسیم بندی حزب توده در این روز حزب دمکرات کردستان ایران ، حزب توده و هیئت حسن نیت جزو صف انقلاب و فدائی و کومله ضد انقلابند . ”مردم“ در آن ”لحظه کنونی“ چنین توضیح می‌دهد :

” از این گروه‌ها ( اخلاگران ) یکی هم حزب زحمتکش انقلابی خلق کرد (کومله) است که بین خلق کرد پایگاهی ندارد... منبع مالی و اسلحه این گروه مستقیما از جانب عراق و حزب بعث تامین می‌شود .“

”مردم“ در آخر مقاله خود درباره حزب دمکرات کردستان ایران رسما چنین داوری می‌کند :

” در چنین شرایط حساس و آشفته وظیفه خطیر و مهم حزب دمکرات کردستان ایران که از هر حیث بدین قبیل گروه‌ها و عناصر تفاوت بنیادی دارد ، وارث به حق مبارزات رهایی‌بخش ضد امپریالیستی خلق کرد به رهبری قاضی محمد است . این است که با اتخاذ موضع سیاسی اصولی و روشن و مستقل از گروهک‌های خرابکار در راه دفع ستم ملی از خلق رنج‌دیده گرد گامی به جلو بردارد.“

(تاکید از ماست)

اینجا دیگر حزب توده از دهان این و آن حرف نمی‌زند و خودش صریحا می‌گوید ”حزب دمکرات با کومله که منبع مالی و اسلحه‌اش مستقیما از جانب عراق و حزب بعث تامین می‌شود“ تفاوت بنیادی دارد و وارث به‌حق مبارزات رهایی‌بخش ضد امپریالیستی خلق کرد“ است .

می‌دانید چرا حزب توده روز ۸ دی‌ماه ۵۸ این حرف‌ها را می‌زند؟ زیرا ”پیام تاریخی امام خمینی“ خطاب به مردم کردستان انتشار یافته است . آتش بس برقرار شده و هیئت حسن نیت متشکل از آقایان ”فرور ، سحابی و صابغیان“ در کردستان با ”هیئت نمایندگی خلق کرد“ در حال مذاکره هستند . در آن ”لحظه کنونی“ حزب دمکرات کردستان ایران همان حزب است ، رهبری آن همان رهبری است فقط حکومت سیاست دیگری در پیش گرفته و از در آشتی با حزب دمکرات وارد شده است . زیرا از جنگ در آن شرایط کاری ساخته نبود . حکومت و روزنامه‌های حکومتی قاسملو را به عنوان رهبر حزب دمکرات و نماینده ملین کرد عملا به رسمیت شناخته‌اند و با وی به مذاکره نشسته‌اند و مذاکرات هم بنا به گزارش روزنامه‌ها در حال پیشرفت توصیف می‌شود . جالب توجه این که قاسملو نه تنها از مواضع سیاسی خود پس نکشیده است بلکه مشخصا خواست‌ها بسیار گسترده‌تر از شرایط قبل از جنگ مطرح کرده است

خواسته‌هایی که مشخصا یکی از بزرگترین موانع را در مذاکرات پدید آورد . در آن ”لحظه کنونی“ حزب دمکرات کردستان ایران به رهبری قاسملو با کومله که منبع مالی و اسلحه‌اش مستقیما از جانب عراق و حزب بعث تامین می‌شود“ تفاوت بنیادی دارد ( ”مردم“ ۸ دی‌ماه ) روابط حکومت با دمکرات‌ها تیره شده است .

مالی و اسلحه‌اش مستقیما از جانب عراق و حزب بعث تامین می‌شود“ تفاوت بنیادی دارد“ در چنین شرایطی حزب دمکرات کردستان ایران مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم را در صدر برنامه مبارزات خود قرار داده و در این مسیر قاطعانه مبارزه می‌نماید . در چنین شرایطی ”حزب توده ایران و حزب دمکرات کردستان“ کنار هم قرار می‌گیرند و هر دو ” هوادار حل سیاسی مسئله کردستانند.“ در صورتی که دو ماه قبل در تمام طول مهر ماه ، زمانی که جنگ درگیر است :

” حزب دمکرات کردستان جداسات از حزب ما“ ” هیچگونه رابطه سازمانی بین حزب ما و حزب دمکرات کردستان وجود ندارد...“ ” قاسملو یک زمانی عضو حزب توده ایران بود ، بعد اخراج شد . به علت همان روش‌های نادرستی که داشت...“

مواضع حزب توده رانست به حزب دمکرات کردستان در ماه‌های بعد همچنان دنبال می‌کنیم : حقایق بازهم بیشتری از مابنی اتخاذ سیاست‌های حزب توده روشن می‌شود :

ببینید! حزب توده تنها ۶ ماه بعد یعنی ۵ تیر ۵۹ در آن ”لحظه کنونی“ روابط جمهوری اسلامی و جنبش ملی خلق کرد بسیار تیره است و هیچ واکنش ساعدی در جهت صلح و مذاکره بخصوص از جانب حزب جمهوری اسلامی به چشم نمی‌خورد ، راجع به گروه قاسملو“ که از همان ابتدا رهبری حزب دمکرات را در دست داشته است چه می‌گوید :

” گروه قاسملو که خود را مدافع حقوق حقه خلق کرد و ضد امپریالیست می‌نامد در ۱۶ ماهه پس از انقلاب نه تنها در این جهت ( مقابله با ضد انقلاب) حرکت نکرده است ، نه تنها تحقق آرمان‌های خلق کرد را نزدیک نساخته است ، نه تنها به مبارزه ضد امپریالیستی خلق‌های ایران یاری نرسانیده است بلکه... با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا ، بعث عراق و عمال آنها“ با هماهنگی کامل عمل کرده است

( تاکید از ماست ) آقایان . واقعا سرچشمه این بی‌صدافتی در گفتار و کردار که در لابلای این موضع‌گیری به نرخ روزتان به چشم می‌خورد چه چیز می‌تواند باشد ؟ آیا این بدان معنا نیست که سیاست شما تابع نوسانات سیاست خرده بورژوازی حاکم است و از تغییرات آن رنگ می‌پدیدر ؟ آیا این بدان معنی نیست که سیاست شما مستقل نیست ؟

تغییب سیاست حزب توده بازهم دلایل بیشتری برای اثبات این مدعا می‌ماند در باره مواضع حزب توده در کردستان به دست می‌دهد .

تنها دو ماه بعد ”مردم“ ۲ شهریور می‌نویسد

” آنها ۱۸ ماه است زیر لوای ” دفاع از خلق کرد“ . در پیشبرد توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و بعث عراق علیه انقلاب ایران از هیچگونه همراهی و همدلی فروگذار نکرده‌اند و... سرسپردگی بی‌چون و چرای خود را به بعث عراق و امپریالیسم آمریکا به اثبات رسانیده‌اند...“

بالاخره کدام حرف را باید باور کرد؟ آیا ”حزب دمکرات کردستان ایران به حق وارث مبارزات رهایی‌بخش ضد امپریالیستی خلق کرد به رهبری قاضی محمد است. با این قبیل گروه‌ها و عناصر که منبع مالی و اسلحه‌اش مستقیما از جانب عراق و حزب بعث تامین می‌شود“ تفاوت بنیادی دارد ( ”مردم“ ۸ دی‌ماه ۵۸ زمانی که روابط حکومت با دمکرات‌ها حسنه است) یا ” آنها ۱۸ ماه است ( یعنی در تمام دوران پس از انقلاب) در پیشبرد توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و بعث عراق از هیچگونه همراهی و همدلی فروگذار نکرده و سرسپردگی خود را به بعث عراق و امپریالیسم آمریکا به اثبات رسانیده‌اند“ ( ”مردم“ ۸ دی‌ماه ) زمانی که روابط حکومت با دمکرات‌ها تیره شده است .



مستولیت سازمان درقبال جنبش ملی در کردستان و مبارزات خلق‌های سراسر ایران ما را وامی‌دارد که مسائل پیچیده‌ای را پیرامون رابطه جنبش ملی خلق‌های تحت‌ستم ایران با جنبش سراسری علیه امپریالیسم و وثاق‌پرولتاریا در برآورد مورد بحث قرار دهیم . ما در آینده آخرین جمع بندی‌های خود را از مسائل فوق منتشر خواهیم کرد . باشد که در راه اعطای جنبش کمونیستی ایران و تامین رهبری پرولتری در مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلق‌های ایران گام‌های بازهم بلندتری به پیش برداریم .